



توصیه امام خمینی ^(ه) **به رضا پهلوی**

من اعتقادم این است که این رنדהا جمع شده‌اند دنبال این بچه (رضا پهلوی) که پول‌هایش را از جیشش درآورند. اینها می‌خواهند این راه پول‌هایی که پدر کشدایش از مردم گرفته و حالا در بانک‌ها‌دست این است با این بهانه‌ها از او در آورند و بعد هم رهایش کنند برود سراغ کارش. و من صلاحش را می‌دانم برود سراغ تحصیل و برود سراغ یک کاسبی. ب‌داند که دیگر این کارها گذشته است. مردم اگر چنانچه به‌په‌وی اسلامی هم نباشد، دیگر سلطنت‌طلب نیستند، این شکی در کار نیست.

صحیفه امام؛ ج:۱۸؛ ص: ۸۰؛ **جماران؛ ۷ شهریور ۱۳۴۲**

امیردربادار ایرانی:

هیچ ناو آمریکایی به خلیج همیشه فارس نیامده است

فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: **هیچ ناو آمریکایی به خلیج همیشه فارس نیامده است. تهدیدها ۴۷ سال است که ادامه دارد و برای ملت ایران امری عادی شده است؛ ما در طول این سال‌ها با اقتدار ایستاده‌ایم و امروز نیز با قدرت ایستاده‌ایم.**

امیردربادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران طی گفت‌وگویی در پاسخ به سوآلی درباره مهم‌ترین مؤلفه اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران در شرایط پرتنش منطقه‌ای، اظهار کرد: مردم عزیز، جوانان، دانشمندان و صنعتگران کشور اصلی‌ترین مؤلفه اقتدار دریایی ایران هستند.

وی با بیان اینکه نیروی دریایی ارتش یکی نیروی تجهیزات‌محور است، افزود: تحقق مأموریت‌های این نیرو بدون پشتیبانی پژوهشگران، نخبگان و صنعتگران داخلی ممکن نیست و همین پشتوانه مردمی و علمی، قدرت واقعی ما را شکل می‌دهد.

فرمانده نیروی دریایی ارتش در پاسخ به سؤال دیگر در واکنش به ادعاها و تهدیدات دونالد ترامپ مبنی بر اعزام ناوهای آمریکایی به خلیج‌فارس گفت: هیچ ناو آمریکایی به خلیج همیشه‌ فارس نیامده است. تهدیدها ۴۷ سال است که ادامه دارد و برای ملت ایران امری عادی شده است، ما در طول این سال‌ها با اقتدار ایستاده‌ایم و امروز نیز با قدرت ایستاده‌ایم. وی با تأکید بر امنیت پایدار دریایی کشور تصریح کرد: شاهر گ‌های اقتصادی کشور با است، کشتی‌ها تحت اسکورت هستند و امنیت کامل در ابراهام را به‌ی‌دستی برقرار است. به گزارش تسنیم، امیر دریادار ایرانی خاطرنشان کرد: دشمنان باید بدانند که در صورت هرگونه حماقت با ملتی روبرو خواهند شد که یکپارچه پشت نیروهای مسلح ایستاده است و هرگز در برابر تهدید و فشار کوتاه نخواهد آمد.

افسران آمریکایی که مجبور شدند فارسی حرف بزنند

پس از ورود یک شناور آمریکایی به منطقه خلیج‌فارس در سال‌های اخیر، افسران این شناور مجبور شدند به دستورات نیروی دریایی سپاه عمل کنند و حتی برای برقراری ارتباط به زبان فارسی صحبت کنند.

آمریکایی دوران ترانم در مواجهه با طیفی از رقبای خود، به الگویی نسبتاً ثابت متوسل شده است؛ الگویی که بر «تهدید لفظی و اعزام ناوهای نظامی» استوار است؛ اقداماتی که بیش از آنکه ماهیتی عملیاتی و تعیین‌کننده داشته باشند، کارکردی نمایشی، روانی و رسانه‌ای دارند و عمدتاً برای رژه رفتن در برابر دوربین رسانه‌ها طراحی شده‌اند.

در این چارچوب، نمایش قدرت نظامی پیش از آنکه به‌معنای آمادگی برای ورود به یک جنگ گسترده باشد، بخشی از جنگ ادراکی و مدیریت افکار عمومی تلقی می‌شود؛ راهبردی که تلاشی می‌کند با برجسته‌سازی تحرکات نظامی، طرف مقابل را در محاسبات خود دچار تردید کند. بی‌آنکه الزاماً اراده‌ای واقعی برای ورود به یک تقابل بره‌زهنه وجود داشته باشد، واقعیت آن است که این نمایش قدرت نظامی تاکنون به ورود آمریکا به یک منازعه جدی و فراگیر منجر نشده؛ با این حال، در صورت ورود به تقابل مستقیم با قدرتی همچون جمهوری اسلامی ایران نیز چنین رویکردی نتنها دستاورد راهبردی مشخصی برای واشنگتن به همراه نخواهد داشت، بلکه می‌تواند به وارد آمدن خسارت‌های آشنگتن، ورود شناواری به منافع و اهداف آمریکا در سراسر منطقه بینجامد؛ خسارت‌هایی که دانه‌ه آن صرفاً محدود به عرصه نظامی نخواهد بود و ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی را نیز دربر خواهد گرفت.

در همین راستا، تجربه‌های پیشین نیز نشان می‌دهد که حضور ناوهای آمریکایی در خلیج‌فارس همواره به معنای ابتکار عمل راهبردی برای واشنگتن نبوده چراکه محیط ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس، به‌واسطه ویژگی‌های خاص جغرافیایی، تراکم تردد دریایی و انشراف اطلاعاتی نیروهای موسی، اساساً با الگوی قدرت‌نمایی کلاسیک ناوهای فرمانطقه‌ای همخوانی کامل ندارد. در یکی از موارد قابل توجه در سال‌های گذشته، ورود شناواری آمریکایی به آب‌های منطقه با واکنش سریع نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مواجه شد؛ واکنشی که علاوه‌بر آمادگی میدانی این نیرو، نشان داد ابتکار عمل در صحنه عملیاتی از اختیار بازیگر بومی قرار دارد. این اتفاق لزوماً در محیط عملیاتی آن منطقه، به‌واسطه اشراف اطلاعاتی، تسلط جغرافیایی و آمادگی واکنش سریع نیروهای ایرانی، الزاماً تابع نمایش‌های قدرت در افرمنطقه‌ای نیست؛ بلکه در چارچوبی متفاوت و متناسب با مختصات بومی تعریف می‌شود.

توان دریایی سپاه؛ بازدارندگی نامتقارن در خلیج‌فارس

امروز توان دریایی سپاه پاسداران یکی از پایه‌های مهم بازدارندگی ایران در غرب آسیاست که با تکیه بر راهبرد نبرد نامتقارن عمل می‌کند. این نیرو با بهره‌گیری از شناورهای تندرو، موشک‌های ضدکشتی مانند «قادر» و «نصر»، سامانه‌های ساحل‌به‌دریا و پهپادهای دریایی، قدرت مانور، واکنش سریع و منعطف‌پذیری عملیاتی در خلیج‌فارس و تنگه هرمز را فراهم کرده است.

بنابر اعتقادات بسیاری از کارشناسان، هرگونه تکرار الگوی «معايش قدرت از طریق اعزام ناو» بدون درک دقیق از مختصات ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های بومی بازیگران منطقه‌ای و ماهیت نبرد نامتقارن، می‌تواند بیش از آنکه بازدارندگی ایجاد کند، زمینه‌ساز تحولات بی‌ثباتی‌زای منطقه، به گزارش فارس، خلیج‌فارس صرفاً عرصه مانورهای نمایشی نیست، بلکه محیطی پیچیده با حساسیت‌های امنیتی بالاست که در آن، هرگونه خطای محاسباتی می‌تواند به‌ضربه‌های سنگینی به دنبال داشته باشد. تراکم بازیگران، اهمیت راهبردی انرژی و ویژگی‌های خاص جغرافیایی این منطقه، آن را به یکی از حساس‌ترین کانون‌های امنیتی جهان تبدیل کرده است. پس‌دست افزایش داده و امکان پیش‌بینی پیامدها را در تصمیم‌گیران آمریکایی بسط کرده است، در چنین شرایطی، هرگونه اقدام اشتباه‌برنده می‌تواند به سلسله‌ای از واکنش‌های زنجیرهای منجر شود که کنترل آن از اراده اولیه خارج گردد. در چنین شرایطی، برهیزر واشنگتن از تقابل مستقیم با سپاه پاسداران، بیش از هر چیز به‌بانگر شکل‌گیری یک بازدارندگی مؤثر و فعال در برابر سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در منطقه است؛ بازدارندگی که نه بر پایه شاعر، بلکه بر مبنای تجربه میدانی، آمادگی عملیاتی و تغییر معادلات قدرت در خلیج‌فارس شکل گرفته است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس:

سیاست مجلس در بودجه جلوگیری از تحمیل گرانی به مردم است

نماینده مردم زنجان در مجلس شورای اسلامی گفت: سیاست کلی مجلس در بودجه امسال این است که تا حد امکان از تحمیل گرانی به مردم جلوگیری شود.

مصطفی طاهری، نماینده مردم زنجان و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی صبح روز شنبه ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۴) و در موافقت با بررسی ردیف یک جداول الزامات منابع لایحه بودجه ۱۴۰۵ مربوط به الزامات وصول منابع مالیاتی، اظهار کرد: سیاست کلی مجلس در بودجه امسال این است که تا حد امکان از تحمیل گرانی به مردم جلوگیری شود. خوشبختانه در بند مربوط به مالیات، این سیاست رعایت شده و ما شاهد افزایش پایه یا نرخ مالیاتی جدید نیستیم. طاهری ادامه داد: اگر افزایش مطلق در ارقام مالیاتی مشاهده می‌شود، برای مثال افزایش ۴۰ یا ۵۰ درصدی، این موضوع ناشی از تورم است و نه به‌دلیل تعریف پایه یا نرخ جدید مالیاتی. حتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده نیز برای سال ۱۴۰۵، عیناً همان احکام سال ۱۴۰۴ در افزایش پایه یا نرخ مالیاتی جدید نیستیم.

طاهری ادامه داد: اگر افزایش مطلق در ارقام مالیاتی مشاهده می‌شود، برای مثال افزایش ۴۰ یا ۵۰ درصدی، این موضوع ناشی از تورم است و نه به‌دلیل تعریف پایه یا نرخ جدید مالیاتی. حتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده نیز برای سال ۱۴۰۵، عیناً همان احکام سال ۱۴۰۴ در افزایش پایه یا نرخ مالیاتی جدید نیستیم. طاهری ادامه داد: اگر افزایش مطلق در ارقام مالیاتی مشاهده می‌شود، برای مثال افزایش ۴۰ یا ۵۰ درصدی، این موضوع ناشی از تورم است و نه به‌دلیل تعریف پایه یا نرخ جدید مالیاتی. حتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده نیز برای سال ۱۴۰۵، عیناً همان احکام سال ۱۴۰۴ در افزایش پایه یا نرخ مالیاتی جدید نیستیم.

طاهری در پایان کرد: در شرایطی که برای ابتدائی‌ترین مسائل، مانند تأمین منابع نیروهای مسلح و برخی پروژه‌ها، با کمبود منابع مواجه هستیم، ما ۳۰۰ هزار میلیارد تومان معافیت مالیاتی به بانک‌هایی اختصاص یافته که مردم را بیچاره کرده‌اند.

ضرورتی ندارد که ۸۰ درصد معافیت‌های مالیاتی به بانک‌ها برسد

رضایی در پایان کرد: در شرایطی که برای هیچ ضرورتی ندارد که این معافیت‌های مالیاتی که ۸۰ درصد آن به بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ می‌رسد و نه به مردم، ادامه یابد.

تاجگردون: ۷۰ درصد اوراق بودجه ۱۴۰۵ صرف بازپرداخت بدهی‌های گذشته می‌شود

همچنین، غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون تلفیق بودجه در جریان بررسی ردیف ۶ جداول الزامات منابع لایحه بودجه ۱۴۰۵، اظهار کرد: کمیسیون تلفیق در تعیین ارقام مربوط به اوراق، ملاحظات لازم را مدنظر قرار داده است.

وی ادامه داد: در تنظیم این اعداد تلاش لایحه بودجه سال آینده کل کشور با انتقاد از نحوه اعمال معافیت‌های نرخ شرکت‌های بزرگ

بزرگ گفت: نرخ و معافیت نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های بزرگ در کشور ما کمتر از ۶ درصد است، یعنی با اصلی مالیات بر دوش کارگران، کارمندان و واحدهای تولیدی است.

وی ادامه داد: در مقابل، شرکت‌های بزرگی که عمدتاً تولیدکننده نیستند، مالیاتی پرداخت نمی‌کنند. مستند به آمار سازمان امور مالیاتی، تصور، بازتاب سبک زندگی اقشار پارسیان صفر درصد بود، بانک صادرات طی چهار سال اخیر یک میلیارد ریال اوراق پیش‌بینی شده که نیمی از این میزان با تقصیم دولت خواهد بود. وی درباره حجم کلی اوراق مالی اسلامی در سال آینده، تصریح کرد: مجموع انتشار اوراق حدود هزار همت خواهد بود که نزدیک می‌گویند مردم در دوره پهلوی بوده‌اند اما آمارهای بین‌المللی خلاف این را روایت می‌کند.

هر بار که از «رفاه دوران پهلوی» صحبت می‌شود، یک تصویر تکراری به جامعه فروخته می‌شود؛ تصویری آراسته از خیابان‌های تمیز، وترین‌های پرزور و کالاهای خارجی در دسترس. تصویری که بیشتر به کارت‌پستال شباهت دارد تا به زندگی واقعی مردم. حتی بسیاری از پژوهشگران غربی هم تأکید کرده‌اند که این تصویر، بازتاب سبک زندگی اقلیتی محدود در شهرهای بزرگ بود، نه روایت زیست اکثریت جامعه ایران.

واقعیت اجتماعی ایران دهه پنجاه، نه در شمال تهران که در خانه‌های تنگ، روستاهای محروم و سفره‌های خالی جریان داشت. گزارش‌های بانک جهانی و یونسکو در همان سال‌ها نشان می‌دهد که توسعه آموزشی در ایران به شدت نابرابر بود. طبق داده‌های رسمی یونسکو، در اواسط دهه ۱۹۷۰، بیش از نیمی از مردان ایرانی و نزدیک به سه‌چهارم زنان از نعمت سواد محروم بودند.

این آمار به وضوح نشان می‌دهد آنچه «مدرنیزاسیون» نامیده می‌شد، بیشتر ظاهری بود تا اجتماعی. جامعه‌ای که اکثریت آن توان خواندن و نوشتن ن‌دارد، حتی از نگاه‌نهادهای توسعه‌گرای غربی، نمی‌تواند مدعی رفاه عمومی باشد.

این شکاف، در اقتصاد چهره عریان‌تری داشت. بر اساس گزارش‌های منتشر شده از سسوی بانک جهانی و همچنین پژوهش‌های دانشگاهی در آمریکا و اروپا، در سال‌های پایانی رژیم پهلوی، حدود ۵۰ تا ۵۰ درصد معزبان، تمرکز ثروت در دستان اقلیتی محدود به حدی بود که ضرب جینی ایران در دهه ۵۰ به یکی از بالاترین سطوح خود رسیده؛ سطحی که در ادبیات اقتصادی، نشانه نابرابری خطرناک و ناپایدار تلقی می‌شود.

حتی گزارش‌های داخلی سفارت آمریکا در تهران که بعدها منتشر شد، تأکید دارد که رشد سریع درآمد‌های منطقه‌ای و ماهیت نبرد معیشت در آن دوره، بلکه شکاف طبقاتی را تشدید کرد. پول نفت به جای آنکه به خدمات عمومی، آموزش و زیرساخت‌های فراگیر برسد، عمدتاً در شبکه‌های بسته از دربار، شرکت‌های وابسته و طبقات نزدیک به قدرت گردش می‌کرد؛ همان چیزی که اقتصاددانان غربی از آن با عنوان «رشد بدون توزیع» یاد کرده‌اند. در بازار کار، شرایط از این هم نابرابر بود. بر اساس مطالعات سازمان بین‌المللی کار (ILO)، بخش قابل‌توجهی از کارگران ایرانی در دهه ۷۰ میلادی، دستمزدی کمتر از حداقل حقوق مصوب دریافت می‌کردند. تشک‌های مستقل کارگری عملاً وجود نداشتند و امکان چانه‌زنی جمعی، سرکوب می‌شد. تورم دو رقمی، همان دستمزدهای ناچیز را هم بی‌اثر می‌کرد؛ نتیجه

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس:

سیاست مجلس در بودجه گرانی به مردم است

به ۷۰ درصد آن به بازپرداخت اصل و سود اوراق سال‌های گذشته اختصاص دارد. **قالبیاف: افرادی که تا سقف ۴۰ میلیون تومان ریاضتی دارند، از مالیات معاف‌اند**

در جریان بررسی بودجه، محمداقبر قالبیاف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی در سخن با واکنش به اظهارات رئیس سازمان برنامه و بودجه درباره مخالفت دولت با افزایش مالیات بر ارزش افزوده در سال آینده، گفت: طبق مصوبه ما در لایحه بودجه سال آینده، افرادی که تا سقف ۴۰ میلیون تومان دریافتی دارند، از مالیات معاف شده‌اند.

رضایی: ۳۰۰ هزار میلیارد تومان معافیت مالیاتی به بانک‌ها اختصاص یافته

وی تأکید کرد: در شرایطی که برای ابتدائی‌ترین مسائل، مانند تأمین منابع نیروهای مسلح و برخی پروژه‌ها، با کمبود منابع مواجه هستیم، ما ۳۰۰ هزار میلیارد تومان معافیت مالیاتی به بانک‌هایی اختصاص یافته که مردم را بیچاره کرده‌اند.

ضرورتی ندارد که ۸۰ درصد معافیت‌های مالیاتی به بانک‌ها برسد

رضایی در پایان کرد: در شرایطی که برای هیچ ضرورتی ندارد که این معافیت‌های مالیاتی که ۸۰ درصد آن به بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ می‌رسد و نه به مردم، ادامه یابد.

تاجگردون: ۷۰ درصد اوراق بودجه ۱۴۰۵ صرف بازپرداخت بدهی‌های گذشته می‌شود

همچنین، غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون تلفیق بودجه در جریان بررسی ردیف ۶ جداول الزامات منابع لایحه بودجه ۱۴۰۵، اظهار کرد: کمیسیون تلفیق در تعیین ارقام مربوط به اوراق، ملاحظات لازم را مدنظر قرار داده است.

وی ادامه داد: در تنظیم این اعداد تلاش لایحه بودجه سال آینده کل کشور با انتقاد از نحوه اعمال معافیت‌های نرخ شرکت‌های بزرگ

بزرگ گفت: نرخ و معافیت نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های بزرگ در کشور ما کمتر از ۶ درصد است، یعنی با اصلی مالیات بر دوش کارگران، کارمندان و واحدهای تولیدی است.

وی ادامه داد: در مقابل، شرکت‌های بزرگی که عمدتاً تولیدکننده نیستند، مالیاتی پرداخت نمی‌کنند. مستند به آمار سازمان امور مالیاتی، تصور، بازتاب سبک زندگی اقشار پارسیان صفر درصد بود، بانک صادرات طی چهار سال اخیر یک میلیارد ریال اوراق پیش‌بینی شده که نیمی از این میزان با تقصیم دولت خواهد بود.

رفاه مردم در عصر پهلوی، دروغ یا واقعیت؟!

این بود که کار وجود داشت، اما امنیت نه؛ حقوق بود، اما زندگی نمی‌چرخید.

اما اگر قرار باشد تصویر واقعی معیشت مردم دیده شود، باید به روستاها نگاه کرد؛ جایی که هنوز اکثریت جمعیت ایران را در خود جای داده بود. طبق گزارش‌های رسمی بانک جهانی و آمارهای توسعه انسانی سازمان ملل، در اواخر دوران پهلوی، بخش بزرگی از روستاهای ایران از برق، آب لوله‌کشی و خدمات اولیه بهداشتی محروم بودند. سوءتغذیه، به ویژه در میان کودکان کار و روستایی، پدیده‌ای گسترده و ساختاری بود؛ نه یک استثنا.

این وضعیت، نتیجه یک الگوی توسعه‌متمرکز بود که حتی در ادبیات غربی نیز مورد انتقاد قرار گرفت. پژوهشگران دانشگاه‌های آمریکایی بارها تأکید کرده‌اند که سیاست صنعتی پهلوی، به جای توانمندسازی مناطق محروم، سرمایه را به شهرهای خاص و طبقات خاص هدایت کرد. نتیجه، موج گسترده مهاجرت روستاییان به شهرها، مونتان و بسته حاشیه‌نشینی‌ای که در گزارش‌های سازمان ملل، به عنوان یکی از نشانه‌های شکست توسعه متوازن ایران پیش از انقلاب ثبت شده است.

صنعتی که به عنوان افکار پهلوی معرفی می‌شود نیز، در گزارش‌های غربی «وابسته» و شکننده» توصیف شده است. بخش عمده صنایع ایران بدون واردات قطعات و دانش فنی خارجی عملاً را می‌فتاد. این صنایع بیش از آنکه تولید ملی ایجاد کنند، مونتان وابسته بودند؛ ثروت می‌ساختند، اما نه برای بدنه جامعه. در رأس این ساختار، شبکه‌ای محدود از خانواده‌ها و وابستگان قدرت قرار داشتند که به آذعان گزارش‌های منتشرشده در آمریکا و اروپا، کنترل بخش بزرگی از اقتصاد ایران را در دست داشتند. تمرکز ثروت در این حلقه بسته، نه پنهان بود و نه اتفاقی؛ نتیجه مستقیم سیاستی بود که عدالت اجتماعی را فدای ثبات سیاسی می‌کرد.

با چنین تصویری، نارضایتی اجتماعی دیگر معما نیست. حتی اسناد منتشرشده از مقامات آمریکایی نشان می‌دهد که در سال‌های پایانی رژیم پهلوی، خود متحدها ن غربی شاه هم نسبت به عمق نارضایتی عمومی شدار داده بودند. پول نفت، نه آرامش آورد و نه رضایت؛ فقط شکاف را عمیق‌تر کرد. امروز مقایسه معیشت مردم با آن دوره اگر قرار است منصفانه باشد، باید از این واقعیت‌ها عبور نکند. مشکلات اقتصادی امروز واقعی است و انکار شدنی نیست، اما آنچه در دوران پهلوی وجود داشت، «رفاه عمومی» نبود. رفاه، اما به اقلیتی وابسته بود و فقر، سهم اکثریت امتیاز. مقایسه رفاه به عنوان ابزاری برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.

اگر درآمد سرانه به‌دلیل وابستگی به نفت معیار دقیقی برای سنجش رفاه عمومی نیست، پس چه شاخصی می‌تواند واقعیت زندگی مردم را نشان دهد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارها در علم اقتصاد برای سنجش عدالت اجتماعی و چگونگی توزیع ثروت، «ضرب جینی» است.